

ظرفیت‌های جامعه بین‌المللی برای رویارویی با گروه تروریستی تکفیری داعش (چالش‌ها و امیدها)

مسعود علیزاده^۱، ابراهیم رحمانی^{۲*}

چکیده

در چند دهه اخیر، به موازات سیر صعودی کنش‌های تروریستی در سطح بین‌المللی، لزوم اتخاذ واکنش‌های ضدتروریستی درک شد و کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی منعقد و تصویب شد. این تدابیر معطوف به الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری داخلی، صلاحیت محاکم کیفری ملی و پیش‌بینی اقداماتی برای پیشگیری از اعمال تروریستی بوده است. افعال گروه موسوم به داعش نشان از این دارد که ماهیت تهدیدآمیز آن برای صلح و امنیت بین‌المللی، از اصل تروریسم به‌عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی نشأت می‌گیرد. از این‌روشناسایی ماهیت این گروه، سیاست کیفری و تقنینی سازمان ملل متحد، به‌خصوص شورای امنیت را در جرم‌انگاری اقدامات صورت گرفته بررسی و نحوه تعقیب و رسیدگی به اعمال گروه تروریستی تکفیری داعش به‌واسطه محاکم کیفری بین‌المللی هدف از این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها

تروریسم، دیوان بین‌المللی کیفری، دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، سازمان ملل متحد، شورای امنیت.

۱. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه پیام‌نور، گرمسار، ایران. Email: massoud.alizadeh1@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام‌نور، پیام‌نور تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Email: er_4741@yahoo.com

مقدمه

نظم عمومی شالوده حقوق بین الملل است. برخی حقوقدانان تا جایی پیش رفته‌اند که نظم عمومی را مسلط بر کل حقوق بین الملل و برخی دیگر آن را دربرگیرنده کل این حقوق می‌دانند (Healy, 1925:411). اگرچه در پذیرش نظم عمومی اجماع^۱ وجود دارد، تداوم این وفاق عام در زمانی که محتوای این نظم مطرح می‌شود، چندان محقق نیست. با این حال با وجود اختلاف نظر در مورد ماهیت نظم عمومی، شاید بتوان آن را این گونه تعریف کرد: مجموعه اصولی نوشته یا نانوشته که در یک نظام حقوقی "بنیادین" محسوب می‌شود و توافق بر تخطی از محدوده آنها غیرممکن است؛ حال این اصول که بیانگر "ارزش‌های بنیادین" جامعه بین المللی است برخی ثبوتی و بعضی دیگر اثباتی‌اند (بیگزاده، ۱۳۷۹: ۵۹) ارزش‌هایی که به اثبات نیاز ندارند و شامل ارزش‌هایی می‌شوند که در زمان و مکان ثابت بوده و تنظیم‌کننده رفتارهای اساسی اعضای جامعه‌اند و عدم رعایت آنها جامعه را با خطر نیستی روبه‌رو می‌کند. اغلب قواعد حقوق بشر و به‌ویژه مهم‌ترین آنها یعنی قواعد مربوط به حفظ حیات و صیانت از تمامیت جسم و روح انسان از این جمله‌اند. حال اگر حیات انسان‌ها خواه به صورت فردی یا جمعی به خطر بیفتد یا نابود شود، ارزش‌های ثابت ولایت‌تغیر بین المللی نقض شده‌اند. چنین قواعدی در واقع امره^۲ هستند و با نظم عمومی بین المللی تلاقی پیدا می‌کنند و از این رو نقض آنها نظم عمومی بین المللی را به خطر می‌اندازد. این قواعد مستثنا از اصل محدودیت زمان و مکان در اجرا هستند. به عبارت دیگر از آنجا که این قواعد بیانگر منافع جامعه بین المللی‌اند، پس باید بر کل جامعه و در هر زمان و مکانی اعمال شوند (مثل ممنوعیت برده‌داری، نسل‌کشی، قلع و قمع و...). در مقابل برخی از ارزش‌های جامعه جهانی مطلق و تغییرناپذیرند و در شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک خاص به وجود می‌آیند و با تغییر، آنها نیز متحول می‌شوند (مثل صلح دوستی، حفظ محیط زیست، مقابله با تروریسم و...). حال اگر این دو ارزش با هم ارتباط برقرار کنند، قواعد بنیادین نظم عمومی بین المللی را تشکیل می‌دهند که هر گونه تخطی از محدوده آنها باطل است و اگر اقدامی بر ضد آنها صورت گیرد، جنایات بین المللی ارتکاب می‌یابند و مسائل کیفی مطرح می‌شوند. امروزه نقض آشکار حقوق بشر، به شکل نقض و تخلف شدید و خشونت‌آمیز از حقوق اساسی بشری، جنایات ضد بشری و تهدیدی علیه صلح و امنیت انسانی به‌شمار می‌آید. این جنایات، اقداماتی خشونت‌آمیز و متضمن نقض یا سلب حقوق اساسی افراد انسانی است. البته، این گونه رفتارها اصول کلی حقوقی مشخص را زیر پا می‌گذارند و به کانون توجه و نگرانی جامعه بین المللی تبدیل می‌شوند. تهدیدی که تروریسم

1. Consensus
2. jus cogens

برای صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد کرده، تهدیدی جدی محسوب می‌شود و این پدیده چالشی مهم برای رفاه و نظم جهانی است که باید مورد اهتمام بازیگران عرصه روابط بین‌الملل قرار گیرد. گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، گروه تروریستی مسلح با اندیشه و شیوه سلفی جهادی است که از منظر گرایش‌های عقیدتی و فکری و نیز چارچوب رفتاری، رویکرد یکسانی با القاعده دارد و اعضای آن تشکیل خلافت اسلامی و اجرای شریعت در عراق و سوریه را هدف غایی قلمداد کرده‌اند. با توجه به اوج گرفتن فعالیت تروریستی و ضد بشری داعش، اغلب مردم جهان و افکار عمومی و مجامع بین‌المللی با جنایات متعدد این گروه آشنا شده و تصاویر روش‌های فجیع ارتکاب این جنایت‌ها در دسترس است (Hassan, 2014:7). مسئله اصلی در این نوشتار این است که نظام سیاست کیفری و تقنینی سازمان ملل متحد تا چه حدود در قبال اقدامات افراطی گرایانه و تروریستی گروه تکفیری داعش اثربخش خواهد بود؟ و از سوی دیگر، ترتیبات محاکم کیفری بین‌المللی به‌منظور تحت تعقیب قرار دادن اعضای گروه داعش بر چه پایه‌ای استوار است؟

همخوانی اعمال متخلفانه گروه داعش با مفهوم تروریسم

گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام^۱ با نام اختصاری "داعش"، منشعب از القاعده، گروه تروریستی مسلح با اندیشه و شیوه سلفی جهادی است که از منظر گرایش‌های عقیدتی، فکری و نیز چارچوب رفتاری، رفتاری یکسان با القاعده دارد و اعضای آن تشکیل خلافت اسلامی و اجرای شریعت در عراق و سوریه را هدف غایی قلمداد کرده‌اند؛ رفتار این گروه به‌خوبی، مؤید ویژگی رادیکالی و خشونت‌آمیز بودن آنها در قیاس با القاعده است (اسدی، ۱۳۹۳: ۳). در فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌های مختلف تعاریف کم و بیش مختلفی از تروریسم ارائه شده است. فرهنگ آکسفورد آن را تلاش برای ضربه زدن به افراد خاص یا ایجاد وحشت دانسته است. فرهنگ وبستر آن را ایجاد وحشت یا وضعیت وحشت و همچنین آن را اعمال حاکمیت یا مبارزه با حاکمیت از طریق ارباب می‌داند (en.Wikipedia). فرهنگ هریتج آن را کاربرد قوه قهریه به شکل غیرقانونی و خطرآفرین و خشونت‌بار می‌داند که از سوی یک فرد یا یک گروه سازمان‌یافته علیه مردم یا اماکن به قصد ایجاد ارباب یا اجبار دولت‌ها و یا شرکت‌ها صورت می‌گیرد و عمدتاً دارای اهداف سیاسی و ایدئولوژیکی است (The American Heritage dictionary, 2000). ای، پی اشمید^۲، کارشناس مسائل تروریسم، تروریسم را رفتار مضطربانه خشونت‌بار می‌داند که از سوی عوامل فردی، گروهی یا دولتی به‌صورت مخفی یا نیمه‌مخفی با انگیزه‌های سیاسی، جنایی و با عقاید خاص صورت می‌گیرد و در آنها برخلاف جنایات عادی،

1. Islamic state of Iraq and Syria (ISIS)
2. A.P schmid

قربانیان اولیه، هدف اصلی نیستند، بلکه آنها به صورت اتفاقی گزینش می‌شوند تا با مرگ یا مجروح شدن، پیامی را به طرف خصم منتقل کنند (Terrorism, Un office on drugs, 2006). در اسناد مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، شاهد تعاریفی از تروریسم و مصادیق آن هستیم. برای نمونه ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری‌های تروریستی (۱۹۹۸)، فعالیت‌های تروریستی را اقدامات جنایی که قصد آنها ایجاد وحشت در عموم مردم یا گروه خاص است، می‌داند و اعلام می‌کند که این دسته اعمال در هیچ شرایطی حتی ملاحظات سیاسی، قومی، نژادی، مذهبی، فلسفی، ایدئولوژیکی، سیاسی یا موارد مشابه توجیه‌پذیر نیست (Convention, 1998 international) یا بند دوم قطعنامه مجمع عمومی مصوب فوریه ۲۰۰۰، تروریسم به عنوان اقدامات جنایی که به قصد ایجاد وحشت در عموم مردم یا گروه خاصی از آن با اغراض سیاسی صورت می‌گیرد، تعریف شده است (Koechler, 2002). در مجموع با توجه به نبود وفاق در تعریف تروریسم و مصادیق آن، هنوز معیارهای یکسانی نزد دولت‌ها برای احراز و اطلاق این مفهوم وجود ندارد (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۶: ۲۴۷-۲۴۳).

ماهیت اعمال داعش

به لحاظ حقوقی وضعیتی را که این گروه در کشورهای سوریه و عراق ایجاد کرده است، می‌توان مخاصمه مسلحانه شمرد. شناسایی این وضعیت موجب اعمال بعضی قواعد حقوق بین‌الملل می‌شود که رعایت آنها ضروری است و تخلف از آن موجبات مسئولیت کیفری ناقضان خواهد بود (شهبازی و جوادی شریف، ۱۳۹۲: ۳۷-۴۵؛ هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۸-۶). یکی از نخستین مؤلفه‌های حقوقی مرتبط با "توصیف داعش، لزوم تکمیل تعمیق ماهیت آن از منظر دول و نهادهای بین‌المللی است. با توجه به اقدامات برخی دولت‌ها در زمینه شناسایی و درج داعش در زمره گروه‌های تروریستی، هنوز سیاست بین‌المللی در این زمینه که به توصیف مذکور ماهیت عام‌الشمول و بین‌المللی بدهد، اتخاذ نشده است (Ferran, 2014: 21). شورای امنیت، مجمع عمومی، اتحادیه عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی و... به رغم اقدامات تروریستی گروه مذکور، در اتخاذ چنین تصمیمی موفق نبوده و حتی اغلب این موضوع را در دستور کار خود قرار نداده‌اند. این در حالی است که از منظر افکار عمومی بین‌المللی، آن هم متأثر از موج جنایت‌های حاصله علیه غیرنظامیان، غارت اموال، اشغال شهرها و تهدیدات داعش برای ورود به سایر کشورهای منطقه، ماهیت تروریستی آن محرز و مسجل است، البته این مسئله، الزاماً بر عناصر الزامی توصیف گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل تأثیرگذار نخواهد بود (مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۳: ۳-۲). از این رو راهکارهای حقوقی به منظور مقابله با اقدامات داعش، منوط به تقویت این جنبه مقدماتی توصیف وقایع و عناصر دخیل در آن است.

داعش و محاکم بین‌المللی کیفری

دیوان بین‌المللی کیفری را می‌توان حاصل تلاش صدساله جامعه جهانی برای مختل‌کنندگان نظم بین‌المللی دانست. مهم‌ترین ویژگی دیوان آن است که تأسیس آن حاصل مشارکت جهانی در سازمان ملل است و براساس تصمیم پنج عضو شورای امنیت به‌وجود نیامده است. از ویژگی‌های اساسنامه دیوان آن است که جرایم پیش‌بینی‌شده در آن، حاصل وقایع گذشته است و جرم تلقی کردن این افعال در اساسنامه بدین مفهوم است که این جرایم ویژگی حقوق عرفی را تحصیل کرده و جهانیان از نسل‌کشی، قتل، غارت، تجاوز و شکنجه به ستوه آمده باشند و خواستار برخورد کیفری بدون تبعیض با مسئولان اصلی این جنایات باشند. برخی معتقدند که دیوان کیفری بین‌المللی، از مؤسسه‌های شکننده و ضعیف است و ممکن است طرحی مقدماتی و کوتاه همچون جامعه ملل باشد. اگرچه دیوان از سوی کشورها مورد حمایت قرار گرفته است و وجود آن حکایت از اشتیاق جهانی دارد، اما موفقیت آن با رویه فعلی غیرمحتمل است (Luban, 2008:24).^۷ شاید مهم‌ترین دلیلی که نویسنده مذکور را به چنین نتیجه‌ای رهنمون ساخته، این است که دیوان یک سازوکار قانونی برای انجام اقدامات خودجوش و خودکار علیه اقدامات برخی کشورها همچون اسرائیل در جریان حمله فلسطین، بدون دخالت شورای امنیت را ندارد و چنانچه زمانی بخواهند این سازوکار را برای دیوان ایجاد کنند، اعضای شورای امنیت علیه آن جبهه‌گیری کرده و این نهاد را به سرنوشت جامعه ملل دچار خواهند ساخت. دیوان کیفری بین‌المللی پس از تلاشی صدساله در جهان و با هدف مقابله با بی‌کیفری و پایان بخشیدن به برخی مصونیت‌ها تشکیل شده که با لازم‌الاجرا شدن اساسنامه و جاری شدن احکام آن و با عنایت به اینکه غایت نهایی این معاهده مبارزه با بی‌کیفری در سراسر جهان بوده است، عدم ارتکاب جرایم مندرج در آن از سوی کلیه کشورها چه عضو و چه غیر عضو الزامی شد. اولین جنبه رسیدگی به اقدامات گروه داعش از حیث حقوقی، مبارزه با تروریسم است که در این زمینه، احراز و اثبات تروریستی بودن جنایات ارتكابی در چارچوب معیارهای بین‌المللی است. دو معیار برای شناسایی هر گروهی به‌عنوان گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل وجود دارد: اول اینکه اگر ماهیت گروه برخلاف حقوق بین‌الملل باشد، می‌تواند گروه را تروریستی جلوه دهد؛ دوم اینکه اعمال گروه داعش است که منطبق با افعال گروه‌های تروریستی بوده و فلذا ضروری است دولت‌ها از طریق شورای امنیت ضمن درج نام آن در فهرست سازمان‌های تروریستی، آثار حقوقی بر عملکرد این گروه و حامیان آن مترتب نمایند (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۷). شورای امنیت از تمامی دولت‌ها درخواست کرده وفق قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱)، در مقابله با سازمان‌دهندگان و تأمین‌کنندگان اقدامات تروریستی، ضمن همکاری با این نهاد بین‌المللی، تدابیر ملی را به‌منظور پیشگیری از سرازیر شدن تروریست‌های خارجی به عراق و سوریه به‌کار

گیرند. به علاوه، از هر گونه تأمین مالی برای اقدامات تروریستی پیشگیری کنند و مانع از فراهم شدن حمایت‌های مالی از گروه‌های تروریستی شوند. همچنین، شورای امنیت از سایر دولت‌ها خواسته هیچ‌گونه دارایی مالی یا منابع اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم در اختیار این گروه‌ها قرار ندهند و شهروندان خود را نیز از هر گونه کمک یا خدماتی در این زمینه منع کنند (نماینان و عباسی، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۴۹).

مطابق مفاد مقرر در قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت، ضمن محکومیت هر گونه مبادله مستقیم یا غیرمستقیم با گروه‌های تروریستی، بر قرار گرفتن مجرمان در فهرست تحریم‌ها تأکید شده است. همچنین، این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی درباره استفاده از وسایل نقلیه از جمله هواپیما برای انتقال طلا و دیگر اقلام باارزش و منابع اقتصادی برای فروش در بازارهای بین‌المللی در نواحی تحت کنترل داعش، اقدامات خاطیان را سبب انسداد دارایی آنان برشمرده و اینکه شورای امنیت برای مهار تروریسم و عدم تسری آن به سایر کشوره در چارچوب حقوقی و اجرایی قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت، از محتوای دو قطعنامه ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ که طالبان، القاعده، تکفیری‌ها و النصره را هدف قرار داده، پیروی کرده و تحریم را به‌عنوان ابزار مشترکی در هر سه قطعنامه برای کنترل، تضعیف و محدودیت گروه‌های تروریستی به‌کار گرفته است (ایرانی، ۱۳۹۳: ۴۴). این قطعنامه درباره چگونگی بازخواست و محاکمه کشورهای حامی داعش که در شکل‌گیری و تجهیز گروه مذکور دخالت داشته‌اند و در قبال جنایات آنها مسئولیت بین‌المللی دارند، اعلام داشته که به‌دلیل فراملی بودن آثار جنایات تروریستی داعش، به‌طور قطع کشورهایی که در روند شکل‌گیری و حمایت از گروه‌های تروریستی مذکور به هر طریقی دخالت داشته‌اند، به موجب مقررات بین‌المللی در زمره ناقضان معاهدات بین‌المللی حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر و نیز نسل‌کشی در عراق و سوریه محسوب می‌شوند (Casy & Haber, 2014:72-71). علاوه بر این، براساس قطعنامه‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۷۳، اعمال و اقدامات تروریستی گروه‌های مذکور به‌سبب تأثیرات جنایتکارانه، در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی شورای امنیت محکوم شده و بنابراین، طبق اسناد و پروتکل‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های مذکور، به‌دلیل زمینه‌ساز شدن نقض مقررات بین‌المللی، موجبات مسئولیت و تعقیب این گروه از کشورهای حامی گروه‌های تروریستی فراهم بوده و دولت‌های عراق و سوریه می‌توانند علیه این کشورها در محکمه بین‌المللی لاهه اقامه دعوا کنند. معاهده رم به‌عنوان یک معاهده جهانی که احکام مندرج در آن برگرفته از حقوق عرفی است، سازوکار خاصی را برای تأمین هدف عالی خود در مقابل کشورهایی که عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیستند، اتخاذ کرده است. در حال حاضر کشورهای مختلفی به عضویت دیوان درنیامده‌اند؛ عراق و سوریه نیز در زمره این کشورها قرار دارند، وقایع رخ داده در این دو کشور طی چند سال اخیر سبب شده تا جهانیان و طرفداران حقوق کیفری بین‌المللی انتظار داشته باشند که متولی اجرای عدالت کیفری به محاکمه و کیفر

کسانی بپردازد که حقوق اولیه انسان را نادیده می‌گیرند و شنیع‌ترین جرایم را رقم می‌زنند. با توجه به عدم عضویت این دو کشور در دیوان و وجود این قاعده در حقوق معاهدات که هر معاهده‌ای نسبت به طرفین آن الزام‌آور است و اثری نسبت به طرف ثالث ندارد، آنچه مسلم است معاهده رم تحت سیطره مقررات کنوانسیون ۱۹۶۹ وین قرار دارد. ماده ۳۸ این کنوانسیون رعایت قواعد مندرج در معاهداتی را که مبین حقوق بین‌الملل عرفی‌اند، برای کشورهایی که عضو آن معاهده نیستند، الزام‌آور می‌داند، یعنی تبعیت از این قواعد برای کشورهای غیرعضو الزامی است. در واقع می‌توان ماده ۳۸ را استثنایی بر اصل نسبییت معاهدات دانست و چنانچه در معاهده‌ای قواعدی وجود داشته باشد که برگرفته از حقوق عرفی و مربوط به حفظ حقوق ذاتی انسان‌ها باشد، دولتی که به عضویت در آن معاهده درنیامده‌اند نیز مکلف به تبعیت از مقررات آن معاهده خواهند بود. بنابراین چون قواعد مندرج در معاهده رم مستخرج از حقوق بین‌الملل عرفی است و مقررات اساسنامه از حقوق بین‌المللی عرفی تبعیت می‌کند (دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۸۳)، رعایت مفاد آن برای کشورهای غیر عضو معاهده، الزام ابتدایی دارد، بدین توضیح که کلیه دولت‌هایی که عضویت دیوان را نپذیرفته‌اند، مکلف‌اند همانند دولت‌های عضو اولاً خودشان مرتکب جرایم واجد خصیصه بین‌المللی مندرج در ماده ۵ اساسنامه نشوند؛ ثانیاً با مرتکبان این جرایم بدون پذیرش هر گونه مصونیتی برخورد کنند. با این حال در صورت تخطی از این وظیفه یا ناتوانی در این خصوص، انجام رسالت مقابله با بی‌کیفری در کشورهای غیرعضو از شورای امنیت به دیوان منتقل می‌شود و دولت غیرعضو مکلف است با دیوان در این خصوص همکاری کند و هیچ‌گونه مصونیت یا عذری در برابر دیوان در این خصوص از ناحیه دولت غیرعضو قابل استناد نیست.

راهکار حقوق کیفری بین‌المللی برای مقابله با اقدامات گروه داعش

تاریخچه حقوق کیفری بین‌الملل نشان داده است که تأسیس یک دادگاه بین‌المللی ویژه برای یک بحران، یک دادگاه مختلط و رسیدگی در دادگاه‌های ملی تحت لوای صلاحیت جهانی می‌تواند سازوکار مناسبی برای مقابله با پدیده بی‌کیفری در حقوق کیفری بین‌الملل باشد. در این بند در فرض عدم ارجاع وضعیت گروه داعش به دیوان مزایا و معایب هر یک از این راهکارها برای مقابله با پدیده بی‌کیفری در خصوص این گروه تکفیری بررسی می‌شود.

۱. تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی

تشکیل یک محکمه جنایی بین‌المللی ویژه برای اعمال داعش به وسیله قطعنامه شورای امنیت همانند آنچه برای دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا اتفاق افتاد، می‌تواند جایگزینی برای

محاکمه تروریست‌های تکفیری در دیوان باشد. تأسیس چنین دادگاهی با دو ایراد عمده مواجه است: نخست اینکه، ایجاد آن به اراده شورای امنیت بستگی دارد. بنابراین با امتناع شورای امنیت از ارجاع وضعیت عراق و سوریه به دیوان کیفری بین‌المللی بعید است که اراده کافی برای تأسیس یک نهاد کیفری بین‌المللی ویژه بحران سوریه وجود داشته باشد، چراکه اگر اعضای شورای امنیت تمایل به محاکمه مرتکبان جرایم بین‌المللی داشتند، موضوع را از طریق دیوان، نه تشکیل یک دادگاه ویژه پیگیری می‌کردند. دادگاهی که به فرض تشکیل احتمال اینکه اعضای شورای امنیت بتوانند سازوکاری همانند سازوکار ماده ۱۶ اساسنامه رم در آن داشته باشند، بسیار ضعیف است. از این رو از ایجاد دادگاهی که اختیار تعلیق تحقیق یا تعقیب در آن را نداشته باشند، خودداری می‌کنند؛ دوم اینکه، یکی از مؤلفه‌های تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی، پرهیز از اطاله دادرسی و پرهزینه بودن محاکم کیفری ویژه بوده است، لذا تشکیل مجدد چنین دادگاهی به‌رغم وجود دیوان، ارتجاع و بازگشت به گذشته خواهد بود. با وجود مطالب مذکور چنانچه اراده کافی برای محاکمه مرتکبان جرایم در عراق و سوریه وجود داشته باشد، ارجاع از ناحیه شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی بهترین و مقرون‌به‌صرفه‌ترین راه‌حل خواهد بود.

۲. تأسیس یک دادگاه مختلط

تشکیل یک دادگاه مختلط می‌تواند معلول انتظار جهانی برای محاکمه جنایتکاران در یک منطقه باشد. یکی از ویژگی‌های این محاکم، ترکیب قضا و پرسنل ملی و بین‌المللی است، به شکلی که قضا و مشاوران بین‌المللی می‌توانند در کنار پرسنل داخلی فعالیت کنند. در واقع مشارکت قضا بین‌المللی نه تنها سبب می‌شود که قضا این دادگاه در فرض تشکیل از درجه تخصص بیشتری برخوردار باشند تا اینکه قضا آن از قضا ملی باشند، چراکه قضا بین‌المللی فعالیت، معلومات و تخصص بیشتری در زمینه محاکمه ناقضان حقوق بشر داشته‌اند، بلکه سبب می‌شود رعایت اصل بی‌طرفی در دادرسی بهتر تضمین شود. اگرچه مطالب مذکور مؤید مزایای تشکیل محاکمه کیفری مختلط است، تشکیل چنین دادگاهی معایبی را در پی خواهد داشت. اولین ایراد این دادگاه درگیری گروه غالب در پیگرد گروه مغلوب خواهد بود و ممکن است به محاکماتی منجر شود که از دیدگاه برخی، اصول دادرسی منصفانه در آن نقض شود، همانند حالتی که در خصوص شعب فوق‌العاده برای کامبوج وجود داشت. دومین ویژگی منفی این محاکم رویارویی با چالش‌هایی چون بی‌ثباتی مالی، عدم همکاری دولت‌ها در عرصه بین‌الملل، عدم همکاری مقامات محلی است. مضاف اینکه یکی از ارکان تشکیل این دادگاه‌ها، قطعنامه شورای امنیت است و بعید است که شورای امنیت چنین قطعنامه‌ای را صادر کند، چراکه اگر چنین اراده‌ای از ناحیه شورا وجود داشته باشد، این اراده در قالب ارجاع مطابق بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به این نهاد صورت می‌گرفت و نه تشکیل نهادی که معایب مذکور را به‌همراه داشته باشد.

رسیدگی در دادگاه‌های داخلی کشور ثالث

منطق حکم می‌کند که با وجود دادگاه‌های داخلی در یک کشور و یک نهاد کیفری بین‌المللی برای محاکمه متعرضان به حقوق بشر، رجوع به دادگاه‌های کشور دیگر معقول نباشد. اما زمانی که این دو نهاد از اجرای عدالت عاجز باشند، برای مقابله با بی‌کیفری باید سازوکار دیگری انتخاب کرد. اما آیا چنین سازوکاری وجود دارد؟ این سازوکار با چه محدودیت‌هایی مواجه است؟ آیا می‌توان سازوکاری برای خروج از محدودیت پیدا کرد؟ در پاسخ باید گفت در حقوق کیفری بین‌الملل سازوکاری تحت عنوان صلاحیت جهانی وجود دارد؛ یعنی زمانی که رسیدگی در یک دادگاه داخلی در کشوری که نه متهم و نه مجنی‌علیه تبعه آن هستند و نه جرم در قلمرو آن کشور اتفاق افتاده است. در توجیه این نوع اعمال صلاحیت از سوی کشورها بیان شده است که زمانی که مجازات برخی از افعال مجرمانه از سوی دیوان کیفری بین‌المللی عملاً با مانع جدی غیرحقوقی یا حتی حقوقی مواجه شود و دادگاه‌های ملی یک کشور تمایل و توانایی محاکمه مرتکبان جرایم بین‌المللی را نداشته باشند (وضعیت عراق و سوریه)، رسالت ذاتی کشورهاست که به هدف عالیه حقوق کیفری بین‌الملل یعنی مقابله با بی‌کیفری جامعه عمل ببوشانند. کشورهای مختلفی قوانینی در این زمینه دارند که هیچ‌یک از آنها به‌تنهایی نمی‌تواند مبین اجرای دقیق صلاحیت جهانی باشد و در راستای بی‌کیفری اقدام کنند. هرچند این کشورها محاکماتی را نیز بر مبنای این قوانین انجام داده‌اند، لیکن آنچنان‌که شایسته و بایسته است، نتوانسته‌اند بدون هیچ‌گونه محدودیت به محاکمه مرتکبان جرایم بین‌المللی بپردازند. میان این قوانین، کشور بلژیک قانونی را که حتی مصونیت‌های اعطایی در حقوق بین‌الملل را در برابر محاکم این کشور بلااثر دانسته بود، تا سال ۲۰۰۳ اجرا می‌کرد. اجرای قانون مذکور با پتانسیل بالایی که برای تحصیل هدف عالیه تدوین‌کنندگان اساسنامه رم داشت، کشور بلژیک را با چالش‌های جدی سیاسی مواجه ساخت و موجب ایجاد تنش در روابط سیاسی این کشور با اسرائیل و ایالات متحده شد. آمریکا به‌علت حضور نظامیان خود در مناطق مختلف جهان با هر گونه صلاحیت جهانی دادگاه‌های دیگر کشورها مخالف است و نارضایتی خود از صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک را بارها توسط مقامات دولتی خود (وزیر دفاع و وزیر دادگستری) بیان داشته است، لیکن آمریکا به صرف اعلام نارضایتی بسنده نکرد و در ژوئن ۲۰۰۳ بلژیک را تهدید کرد که در صورت عدم تغییر در این قوانین، ضمن تعلیق مشارکت مالی خود در تأمین هزینه‌های احداث مقر ناتو با نفوذ خود سبب تغییر مقر این سازمان از بلژیک به کشور دیگری خواهد شد. در مجموع آن قانون و همراه با اصلاحات آن نتوانست در برابر فشارهای سیاسی دوام آورد و سرانجام صراحتاً نسخ گردید^۱ (خالقی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

۱. در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۰ جمهوری دموکراتیک کنگو دادخواستی را علیه پادشاهی بلژیک نزد دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رسانید و در آن ادعا کرد که دولت بلژیک با صدور قرار بازداشتی در ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ از سوی

مطالب مذکور بیانگر این است که علاوه بر رسیدگی در دادگاه‌های ملی در یک کشور و دیوان کیفری بین‌المللی سازوکار دیگری تحت عنوان صلاحیت جهانی وجود دارد. بدیهی است که اجرای این اصل همان‌گونه که در قانون بلژیک با موانع عملی زیادی مواجه شد، ممکن است با محدودیت‌هایی چون مصونیت قضایی مقامات و نمایندگان سیاسی کشورها مواجه شود. از بین نرفتن مصونیت در برابر مراجع غیر بین‌المللی و نبود دولتی که به قانون جامع و مانعی برای اعمال صلاحیت جهانی برای مقابله با بی‌کیفری در عراق و سوریه بپردازد، نشان‌دهنده آن است که در حال حاضر توسل به این اصل نمی‌تواند چندان مناسب باشد، زیرا باید کشوری وجود داشته باشد که قانون داخلی آن اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم ملی آن کشور در رابطه با جرایم سنگین حقوق بشری را تجویز کرده باشد که در وضعیت فعلی احتمال وجود چنین قانونی در کشوری بسیار ضعیف به نظر می‌رسد؛ به‌ویژه اینکه کشورها سرنوشت قانون بلژیک را ملاحظه کرده‌اند. در فرض وجود چنین دولتی، ممکن است قانون داخلی تجویزکننده اعمال صلاحیت، حضور متهم را در خاک کشور محل دادگاه لازم و ضروری بدانند، حتی اگر رسیدگی غیابی هم تجویز شود، چنین محاکماتی با انتقادات شدیدی مواجه خواهد شد؛ ثالثاً پیش از اینکه تعقیبی از ناحیه دولت صورت گیرد، لازم است که کشور اعمال‌کننده صلاحیت، مدارک کافی را در اختیار داشته باشد و امکان دسترسی به شهود برای این کشور فراهم باشد که دستیابی به این امور جز با همکاری دولت‌های منطقه (خاورمیانه) امکان‌پذیر نیست؛ در نهایت چنین محاکماتی نمی‌تواند اجرای عدالت را در سطوح بالا تضمین کند.

قاضی تحقیق بلژیکی علیه وزیر امور خارجه وقت کنگو (آقای یورودیا) به اتهام جنایت بین‌المللی (مستند به قانون موسوم به صلاحیت جهانی محاکم بلژیک)، اصل عدم قابلیت اعمال حاکمیت یک دولت علیه دولت دیگر، اصل برابری حاکمیت بین کلیه اعضای ملل متحد و همچنین مصونیت دیپلماتیک وزیر امور خارجه را نقض کرده است. دیوان پس از بررسی قضیه در ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ رأی خود را صادر کرد. دیوان ابتدا تصریح کرد که صلاحیت رسیدگی به قضیه مذکور را داشته و دادخواست کنگو علیه بلژیک قابل طرح است. در رأی صادره از سوی دیوان که به موجب ماده ۶۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری قطعی و غیرقابل استیناف بوده و بر طبق ماده ۵۹ اساسنامه الزام‌آور است، آمده است: "صدور قرار بازداشت ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ علیه آقای یورودیا و انتشار بین‌المللی آن نقض یک تعهد بین‌المللی پادشاهی بلژیک در قبال جمهوری دموکراتیک کنگو محسوب می‌شود و (دولت بلژیک) در این راستا مصونیت از صلاحیت کیفری وزیر امور خارجه کنگو را رعایت نکرده است." دیوان همچنین دولت بلژیک را ملزم کرد که از طریق ابزارهای موجود و براساس انتخاب خود باید قرار بازداشت مذکور را ملغی اعلام کند و به‌علاوه به مقاماتی که قرار مذکور را ابلاغ کرده است، اطلاع داده شود. در این زمینه، قاضی اودا نوشت که: "بلژیک ممکن است در روند رو به رشد حقوق بین‌الملل حرکت کند، ولی از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، بلژیک عملاً از فرایند حقوق بین‌الملل پیشی گرفته است." از این‌رو، دیوان رأی داد که مصونیت اجتناب‌ناپذیر رؤسای دولت، رؤسای حکومت و وزرای خارجه کامل است، هرچند این مصونیت، به معنی فرار از مجازات در خصوص جرایم ارتكابی در حین انجام وظیفه نیست. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Arrest Warrant Case, paras. 60-61, but see also the Dissenting Opinion of Judge ad hoc Van den Wyngaert, Para. 34.

تأسیس یک دادگاه با انعقاد معاهده

دولت‌ها به‌منظور مبارزه با جرایم بین‌المللی می‌توانند به‌وسیله موافقت‌نامه‌های بین‌الدولی وارد همکاری با یکدیگر شوند؛ موافقت‌نامه‌هایی که تابع حقوق بین‌الملل معاهدات و اصل ارادی دولت‌هاست. به‌طور کلی همکاری دولت‌ها با یکدیگر در مبارزه با جرایم کیفری دارای ویژگی‌های مانند توافقی بودن، عدم مغایرت همکاری با نظم عمومی، تلقی شدن جرم در نزد تمام طرف‌های همکاری، قادر یا مایل نبودن دولت متقاضی همکاری در برخورد با جرم است. این همکاری می‌تواند در قالب معاضدت قضایی صورت گیرد. هدف از معاضدت قضایی مساعدت دولت مورد درخواست در دستیابی به اسناد و ادله ناظر بر جرم ارتكابی است. امروزه این نوع همکاری سلسله وسیعی از اقدامات از جمله تحقیقات کیفری، محاکمه، بازجویی، اخذ اظهارات شهود، بازرسی، تحقیق و خدمات مربوط به تعقیب افراد را شامل می‌شود (دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۱۶). از آنجا که یک انتظار جهانی برای محاکمه مرتکبان جرایم بین‌المللی در سرزمین‌های تحت اشغال داعش وجود دارد، دول عراق و سوریه می‌توانند هم به‌منظور اقدام در راستای صلاحیت تکمیلی دیوان و هم تأمین هدف عالی‌ه این نهاد و جهانیان، با یک کشور (ترجیحاً عضو دیوان) که تمایل به این امر دارد، معاهده معاضدت قضایی منعقد کنند تا مرتکبان جرایم بین‌المللی را به کیفر برسانند.

استفاده از ظرفیت یونسکو و ارجاع پرونده به دیوان کیفری بین‌المللی

با لازم‌الاجرا شدن «اساسنامه رم» در ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲، جهان برای نخستین بار، به یک سازوکار قضایی بین‌المللی مستقل با اختیاراتمندی نسبت به محاکمه افرادی که دارای بیشترین مسئولیت در زمینه تخریب مهارناشدنی اموال فرهنگی در جریان مخاصمات مسلحانه‌اند، مجهز شد. در واقع، به موجب ماده ۸ معاهده مؤسس دیوان، حملات عمدی به ساختمان‌هایی که از جمله، به امور دینی و هنر اختصاص داده شده‌اند، یا بناهای تاریخی، سازنده یک «جرم جنگی» هستند. همچنین، چنین اعمالی، بسته به شرایط، می‌توانند سازنده فعل «تعقیب و آزار» ذیل ماده ۷ به‌مثابه یک جرم علیه بشریت باشند. دیوان، با ۱۲۴ دولت عضو خود که تعدادشان رو به افزایش است و در انطباق با مأموریت خود می‌تواند کمک شایانی، به‌عنوان بخشی از یک پاسخ جامع، به پاسداری و حفاظت از اموال فرهنگی کند. پیش از آنکه تخریب اماکن تاریخی در سوریه و عراق توجه جهانیان را جلب کند، دادستان دیوان، "خانم بن سودا"، بر نیاز به مهار تخریب حساب‌شده اموال فرهنگی محافظت‌شده در چارچوب قانونی دیوان تأکید کرده بود. اقدام دفتر دادستانی در خصوص وضعیت "مالی" مثالی از آن است. همان‌طور که در حال حاضر در سطح گسترده‌ای گزارش شده است، در سپتامبر ۲۰۱۵، براساس اسناد ارائه‌شده توسط دادستان، دادرسان دیوان،

قرار جلبی علیه "احمد الفقی المهدی"، عضو گروه "انصارالدین" وابسته به "القاعده" در "مغرب اسلامی"، را صادر کردند. شعبه پیش - دادرسی دیوان تشخیص داد که ادله ارائه شده توسط دادستان برای ایجاد مبنای محکمی برای باورمندی به آنکه مظنون از حیث کیفری در ارتباط با جرم جنگی هدایت عامدانه حملات به شماری از آثار تاریخی و ابنیه دینی در "تیمبوکتو" (در مالی) در ماه‌های ژوئن و ژوئیه ۲۰۱۲ مسئول است، کفایت می‌کند.

نقش «دیوان کیفری بین‌المللی» در مبارزه با بی‌کیفرمانی در زمینه تخریب میراث فرهنگی در قرن جدید بسیار کلیدی است. البته برای آنکه دیوان بتواند تأثیر بیشتری داشته باشد، «صلاحیت جهانی» نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. دولت‌های بیشتری به تصویب «اساسنامه رم» و پیوستن به جمع خانواده دیوانتشیق می‌شوند، تا با انجام آن، از حمایت‌های قانونی که اساسنامه رم تدارک می‌بیند، بهره‌مند شوند (Bowker, 2016:10-12).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آنچه در راستای پیشگیری، مقابله و سرکوب کلیه اشکال و گونه‌های اقدامات تروریستی در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد، اتخاذ سیاست‌های کیفری اصولی در مواجهه با این پدیده ضد بشری است. از این حیث، کنترل افعال تروریستی به سبب فقدان شناخت کافی از حیث ماهیت و نتایج ناشی از عدم ارائه تعریفی حقوقی و مورد پذیرش جامعه بین‌الملل دشوار به نظر می‌رسد. بنابراین لازم است در ابتدا دولت‌ها برای پیشگیری و مبارزه اثربخش در رویارویی با اقدامات تروریستی، در قوانین داخلی خود تدابیر جدیدی را اتخاذ کنند و سپس برای مقابله اثربخش با اعمال مزبور نسبت به تدوین و تصویب اسناد بین‌المللی مؤثر و اجتناب از سیاست استاندارد دوگانه گام بردارند. جنایات ارتكابی داعش بر کسی پوشیده نیست؛ جنایاتی که در سوریه و عراق رقم خورده و مورد تأیید کشورهای داعیه‌دار حقوق بشر هم قرار دارد. اقدامات این گروه ضمن بروز مخاطرات جهانی، ائتلافی بین‌المللی را برای برخورد با آن به وجود آورد. اولین جنبه رسیدگی به اقدامات تروریستی داعش، احراز و اثبات تروریستی بودن جنایات ارتكابی در چارچوب معیارهای بین‌المللی است. از این رو دو معیار برای شناسایی هر گروه به‌عنوان گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل وجود دارد: الف) ماهیت گروه برخلاف حقوق بین‌الملل باشد، می‌توان آن را تروریستی قلمداد کرد؛ ب) نوع اعمال ارتكابی این گروه است، که داعش بر مبنای هر دو معیار گروه تروریستی محسوب می‌شود. بر همین اساس، لازم است دولت عراق و سایر دولت‌ها از طریق شورای امنیت تلاش کنند تا ضمن درج نام داعش در فهرست سازمان‌های تروریستی، آثار حقوقی متعدد بر عملکرد این گروه و حامیان آن اعمال کنند. جرایم ارتكابی از سوی داعش به‌وضوح در مواد ۵ تا ۹ اساسنامه رم پیش‌بینی شده است. اقداماتی که توسط داعش در حال انجام است، در شمول جرایم موضوع ماده ۵ اساسنامه دیوان قرار می‌گیرد؛

جرایمی همچون اعدام دسته‌جمعی، شکنجه و سوءاستفاده جنسی و تجاوز در این قالب می‌گنجد. در چارچوب مفاد مقرر در مواد ۷ و ۸ اساسنامه رم این گروه به ترتیب مرتکب جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی شده است. افزون بر این در حقوق کیفری بین‌المللی، مخاصمات کنونی در عراق و سوریه، مخاصمه مسلحانه است که با توجه به اینکه برخی از قواعد مذکور در اسناد حقوق بشردوستانه جنبه عرفی داشته‌اند، هر گونه تخلف از معیارهای عرفی می‌تواند جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی محسوب شود و مرتکبان آن و حامیان آن مسئولیت کیفری پیدا می‌کنند. در پایان باید گفت که استمرار آزادی عمل داعش به لحاظ نبود واکنش بین‌المللی هماهنگ و مبتنی بر حاکمیت قانون، هر چند با مسائل سیاسی و امنیتی آمیخته است، اما نگرانی عمده برای چشم‌انداز حقوق بین‌المللی و حاکمیت قانون در منطقه خواهد بود. از این رو جامعه حقوقی می‌تواند با استفاده

مناسب از ظرفیت‌های موجود در نظام حقوق بین‌الملل، به آسیب‌شناسی، اصلاح و بازنگری هنجارها، توجهات را جلب کند. ائتلاف میان حقوقدانان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دکترین حقوقی در تکمیل و اصلاح قواعد و اصول متقن حقوق بین‌المللی و برقراری ارتباط قواعد موجود متناسب و مطلوب، نتایج مناسبی از سازوکارهای جامعه حقوقی است. بی‌توجهی سازمان ملل متحد به تهدیدات داعش علیه صلح و امنیت بین‌المللی، اعتبار و موجودیت حقوق بین‌الملل را در منظر افکار عمومی جهان مخدوش کرده است. پیگیری ابعاد حقوق کیفری مقابله با تروریسم و نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از مسائل اولویت‌دار در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با اقدامات تروریستی داعش به نظر می‌رسد. بنابراین ضروری است شبکه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و مرتبط با صلح به همراه رسانه‌ها، نخبگان و مجامع، مسیر ادراک بین‌المللی از ماهیت تروریستی داعش را تسهیل کرده و رویارویی با تروریسم را در همه سطوح پیگیری کنند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. خالقی، علیرضا (۱۳۹۲). *جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل*، تهران: شهر دانش.
۲. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰). *مقابله با جرایم بین‌المللی: تعهد دولت‌ها به همکاری*، تهران: شهر دانش.
۳. مظاهری، امیرمسعود (۱۳۹۱). *اصل صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی*، تهران: میزان.

ب) مقالات

۴. آقای جنت‌مکان، حسین؛ قریشی، سید محمدجعفر (۱۳۹۲). «سازوکارهای حقوقی کیفری بین‌الملل برای محاکمه تروریست‌های تکفیری در سوریه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، ش ۴، ص ۹۸۹-۱۰۱۱.
۵. اردبیلی، محمدعلی و دیگران (۱۳۸۵). «نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ش ۴۷، ص ۱-۲۶.
۶. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۳). «خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق»، دفتر مطالعات سیاسی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۷۳۹.
۷. ایرانی، محمد (۱۳۹۳). «داعش و القاعده»، ماهنامه معارف، ش ۱۰۳، ص ۴۴.
۸. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۹). «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات برضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجموعه مقالات دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۶)، «بررسی قطعنامه ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل در رابطه با مقابله با تروریسم»، مجله راهبرد، ش ۴۳، ص ۱۸۰-۱۶۳.
۱۰. جوانمرد، مجید و دیگران (۱۳۸۲). «آشنایی با دیوان بین‌المللی کیفری»، گزارش دفتر بررسی‌های حقوقی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۱. جودکی، حجت‌اله (۱۳۹۳). «گفتمان تقریب و گفتمان تکفیر»، ماهنامه نسیم بیداری، ش ۴۹، ص ۳۴-۳۵.
۱۲. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ توحیدی فر، محمد (۱۳۸۰). «اختیارات شورای امنیت سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، مجله دادرسی، ش ۳۰، ص ۲۲-۱۶.
۱۳. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۳). «حمایت مالی و نظامی دولت‌ها از گروه داعش از منظر حقوق بین‌الملل»، قابل دسترسی در: (www.yjc.ir/fa/news/5019425)
۱۴. دونل، دانیال (۱۳۹۱). «معاهدات بین‌المللی ضدتروریسم و اعمال تروریستی نیروهای مسلح در درگیری مسلحانه»، ترجمه پیمان نمایان و سبحان طیبی، مجله حقوقی بین‌المللی، ویژه‌نامه ترجمه، ص ۶۲۳۷-۲۳۷.
۱۵. ساعد، محمدجعفر (۱۳۹۰). «تروریسم و دادگاه بین‌المللی کیفری؛ وضعیت امروز، دورنمای آینده»، در مجموعه مقالات مدون در کتاب تروریسم و مقابله با آن، به اهتمام: عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تهران: مجمع جهانی صلح اسلامی.
۱۶. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۵). «تکفیر و تروریسم»، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۴۶، ش ۹، ص ۷-۱۱.
۱۷. شهبازی، آرامش؛ جوادی شریف، خدیجه (۱۳۹۲). «وضعیت دولت - کشورهای ناتوان در

- حقوق بین‌الملل معاصر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ش ۳۹، ص ۶۰-۳۵.
۱۸. فخر، حسین (۱۳۸۷). «مفهوم نسل‌کشی در پرتو رأی دیوان بین‌المللی کیفری رواندا»، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن حقوق و چالش‌های آن، مشهد: دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی.
۱۹. گودرزی، هادی (۱۳۹۳). «رویکرد دوگانه غرب در مواجهه با تروریسم با تأکید بر گروه تروریستی داعش»، اندیشکده راهبردی تبیین؛ قابل دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/index.php/215>
۲۰. مجمع جهانی صلح اسلامی (۱۳۹۳). «مقابله با گروه‌های تروریستی در منطقه (به‌ویژه داعش) در پرتو گفتمان راهبرد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم»، گروه رصد و آینده‌پژوهی صلح و عدالت در جهان، تهران: گزارش راهبردی.
۲۱. نمایان، پیمان (۱۳۸۶). «مفهوم تجاوز در معاهدات و قطعنامه‌های بین‌المللی»، مجله د/درسی، ش ۶۱، ص ۷-۱۱.
۲۲. ----- (۱۳۹۰). «صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵۱، ص ۸۴-۵۹.
۲۳. نمایان، پیمان؛ عباسی، صمد (۱۳۹۱). «تأملی در قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت: تغییر ماهیت در تعهدات و الزامات حقوقی مبارزه با تروریسم»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ش ۹، ص ۱۶۸-۱۴۹.
۲۴. نمایان، پیمان؛ طیبی، سبحان (۱۳۹۱). «حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ش ۹، ص ۱۲۳-۹۳.
۲۵. واتسون، جفری (۱۳۷۶). «حاکمیت قانون بر بررسی قضایی و دیوانی جهانی»، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، مجله راهبرد، ش ۱۳، ص ۱۳۴-۸۹.
۲۶. هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹۳). «داعش؛ میراث سیاست غربی-عربی»، دفتر مطالعات سیاسی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۷۶۱.

۲. انگلیسی

A) Books

27. Arnold, Roberta (2004). *The ICC as a New Instrument for Repressing Terrorism*, Transnational Publishers, Inc. Ardsely, New York.
28. Cassese, Antonio (2003). *International Criminal Law*, Oxford: Oxford University Press.
29. Cassese, Antonio (2004). *Terrorism as an International Crime*, in: Andrea Bianchi (ed.), *Enforcing International Law Norms against Terrorism*, Oxford and Portland Oregon: Hart Publishing.
30. The American Heritage (2000). *Dictionary of the English Language*, 4th

ed.Houghton Mifflin Company.

B) Articles

31. Burgess (2006). Hostis Humani Generi: "Piracy, Terrorism and a New International Law", *Miami Int'l & Comp. L. Rev.*, Vol. 13, No. 293, Spring.p293-341.available at:
repository.law.miami.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1069&context=umiclr
32. Casey, Mary Joshua Haber (2014). "Rebel factions continue fight against ISIL in Northern Syria", *Foreign Policy*, and Retrieved 7 January.avaiable at:
(<http://foreignpolicy.com/2014/01/07/rebel-factions-continue-fight-against-isil-in-northern-syria/>)
33. Cassese, Antonio (2006). "The Multifaceted Criminal Notion of Terrorism in International Law", *J. Int'l Crim. Jus*, Vol. 4, No. 933-958.
34. David W. Bowker, Laura Goodall, and Rebecca A. Haciski (2016), (Confronting ISIS's War on Cultural Property", *ASIL*, Issue: 12, Vol 20, July 14
35. Ferran, lee, momtaz, rym (2014). "ISIS: trial of terror", *ABC news*, retrieved 14sep.
36. Hassan, Hassan (2014). "political reform in Iraq ill stem the rise of Islamists"" *the national*. Retrieved 18 June.
37. Koechler, H (2002). "The United Nations, the International Rule of Law and Terrorism Fourteenth Centennial Lecture", *Manila*.
38. Luban, David (2008). "Jurisdiction, Legality, and the Legitimacy of International Criminal Law", Georgetown law faculty Working Papers, available at:
<http://lsr.nellco.org/georgetown/fwps/papers/67/>, P.P 1-25.

C) Documents

39. Annan, kofi (2003). available at: www.ohchr.org/english/issues/terrorism/index.htm .australia.
40. Healy Tomas (1925). *Theorie generale de l'ordre public" RCADI*, tome9, p.411-412.
41. Human Rights Council(2015). *Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the Human Rights Situation in Iraq in the Light of Abuses Committed by the so-called Islamic State in Iraq and the Levant and Associated Groups*, Twenty-eighth session, A/HRC/28/18, 13 March.
42. Report of the International Law Commission on the work of its forty-third session (29 April to 19 July 1991), A/46/10, YILC, 1991, Vol. II (Part Two), p. 176.
43. Report of the International Law Commission on the work of its forty-seventh session (2 May-21 July 1995), YILC, 1995, Vol. II (Part Two), note 62.
44. Report of the Commission to the General Assembly on the work of its forty-eight session (6May to 26 July 1996); A/51/10, YILC, 1996, Vol. II, (Part Two), p. 50.
45. Report on the Protection of Civilians in Armed Conflict in Iraq: 6 July – 10 September 2014'. United Nations, 26 September 2014, Geneva. Retrieved 11 November 2014.

46. Resolution No.43/7 (IS) On the Preparation of a Code of Conduct for Combating International Terrorism. The Seventh Islamic Conference. Casablanca. Kingdom of Morocco. (December 13-15, 1994)
47. Terrorism, UN Office on Drugs and Crime. September 11, 2006. UNODC,2006
48. Security Council/RES/2169 (2014)
49. Security Council/RES/2170 (2014)
50. www.un.org/press/en/2014/sc11520.doc.htm.